

درآمدی بر تاثیر باورهای جهادی بر تحول در رفتار حکمرانی

حسن سعدآبادی^۱

چکیده

در ادبیات حکمرانی خصوصاً وقتی از حکمرانی سلسله مراتبی به سمت حکمرانی شبکه ای حرکت می کنیم، شیوه های تعامل و تصمیم گیری تفاتهای معناداری را تجربه می کند و پیش فرض های تعاملی و رفتاری یعنی همان باورهای حکمرانان هم تأثیر معناداری بر این شیوه ها دارند. از طرفی فلسفه حکمرانی در هر نظامی، مبارزه برای تحقق اهداف و آرمانهای نظام حکمرانی مدنظر است. پس باورهای موثر در منطق حکمرانی جبهه حق، باورهایی هستند که در فضای مبارزه اثرگذار باشند و به تقویت جبهه حق و مناسبات آن در مقابل تضعیف جبهه باطل و مناسباتش بیانجامد.

در این مقاله با بهره گیری از منطق روش تحلیل مضمون بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دهه اخیر، بررسی شد. بر اساس یافته های این پژوهش در قالب ۵ مضمون فراگیر، اولاً فلسفه حکمرانی در جنگ بین حق و باطل، تقویت جبهه حق و مبارزه با باطل است، ثانیاً منطق حاکم بر این مبارزه، حرکت به سمت تحقق عدالت، مبتنی بر عقلانیت و همراه با حفظ و ارتقاء معنویت است. ثالثاً در این چارچوب، مضمون فراگیر باورهای جهادی، دو باور موثر در چارچوب حکمرانی یعنی باور به چارچوب مبارزه و جهاد فی سبیل الله و نیز باور به امداد و نصرت الهی برای مجاهدان را در بر می گیرد. البته باورهای جهادی وقتی به نقطه اثر خود می رسد که عناصری همچون ایمان به «ما می توانیم»، صدق در جهاد، استقامت و پایداری، اضطراب و توسل را در درون خود داشته باشند. و نهایتاً این باورها بر همه ابعاد حکمرانی اثر می گذارند اما به طور خاص آثار آن را می توان در ۱- جهت گیری های استراتژیک، ۲- ارتباطات، همکاری ها و رقابت ها و ۳- تصمیم گیری ها و خروجی ها مشاهده کرد.

کلمات کلیدی. باورهای جهادی، فلسفه حکمرانی، رفتار حکمرانی، سنت های الهی، جبهه حق و باطل

^۱ دانشجوی دکتری مدرسه حکمرانی شهید بهشتی دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی به طور خاص در دهه اخیر، به طرح مجدد تفکر جهادی در اداره کشور پرداخته و به مناسبت‌های مختلف به تبیین و تفسیر آن پرداخته است. بیانیه گام دوم، بر مبنای همین تفکر نگاشته شده و موضوع تحول در حکمرانی نیز بر همین مبنای جهادی و انقلابی مطرح شده است. یکی از مهمترین ابعاد حکمرانی که می‌تواند بر سایر ابعاد اثر گذاشته و در جهت گیری آنها موثر باشد، رفتار حکمرانی است. هر چند رفتارها، متأثر از هنجارها و آنها متأثر از باورها هستند و هرچند باورها نقش جدی و پررنگی در ساخت دهی رفتار حکمرانی دارند ولی بسیار مغفول واقع شده‌اند. از این رو، در این پژوهش، تأملی بر این باورها با منطق جهادی داریم و به بررسی نسبت میان باورهای جهادی و رفتار حکمرانی می‌پردازیم.

۲- پیشینه پژوهش

در خصوص نقش و اثر باورها در رفتارهای فردی و سازمانی و اجتماعی، مطالب مختلفی به نگارش درآمده و در قالب‌های مختلف ترویجی و پژوهشی منتشر شده، همچنین در خصوص مدیریت جهادی، تفکر جهادی و سازمان جهادی نیز مقالات مختلفی در سالهای اخیر نوشته شده و مجلات مختلف منتشر گردیده است. اما تاکنون مقاله یا یادداشتی در خصوص تبیین باورهای جهادی و نقش آن در سازمان یا حکمرانی توسط نگارنده رؤیت نشده است.

از میان نگاشته‌های موجود، دو موضوع اساسی باور و مبارزه، به عنوان مبنای ورود به مباحث این مقاله، مورد توجه بوده و به روند این پژوهش کمک خواهد کرد. لذا اشاره مختصری به آن‌ها خواهیم داشت:

۲-۱- درآمدی بر باور**۲-۱-۱- ارتباط باور و آرمان**

باورها نقش مهمی در زندگی انسان‌ها دارند. به طور خاص وقتی اجتماعاتی تشکیل می‌شود و افراد مختلف با انباشته‌های ذهنی مختلف کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، چه ابرازی بهتر از باورهای مشترک، می‌تواند به بقای آن اجتماع کمک نماید؟ شهید بهشتی در ضرورت‌های یک کار تشکیلاتی، داشتن ایمان و باور هرچه قوی‌تر به آرمان‌ها و به کارهای تشکیلات را برای بقاء و رشد آن ضروری می‌داند. (بهشتی، در جمع انجمن‌های اسلامی سازمان بهزیستی)

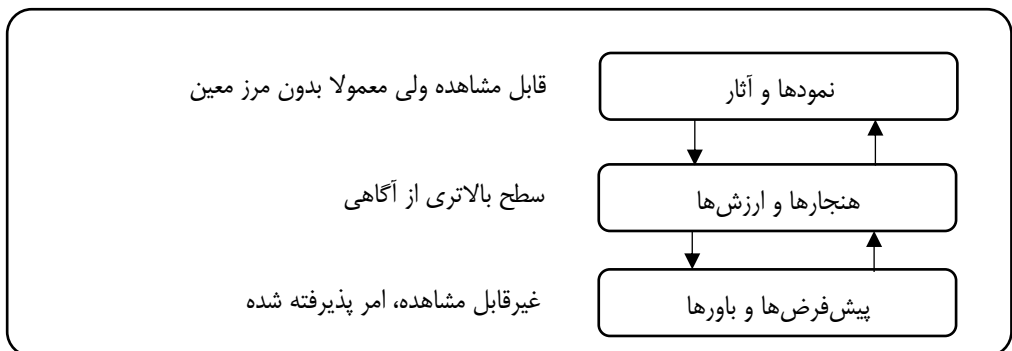
۲-۱-۲- تفاوت باور با عقیده

برخی اوقات، به اشتباه، واژه های باور و عقیده به جای یکدیگر به کار می روند. در حالی که علم و معرفت به چیزی و فهم عینی آن به واسطه مشاهده تجربی یا استدلال عقلی، «عقیده» و احساس و ادراک آن به صورت درونی و قلبی «باور» است. (ر.ک. جوادی، ۱۳۹۶: ۸۹) خداوند می فرماید: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُورُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات، ۱۴) ایمان مربوط به بعد قلبی است اما اعتقادات مربوط به بعد عقلی. این ها دو بعد وجودی در انسان است. یکی کار قلب است و دیگری کار عقل. اگر عقل من کار خودش را انجام داد و بازده آن روی قلبم اثر گذاشت و به محصول کار عقلی ام اطمینان پیدا کردم؛ این باور می شود. (تهرانی، ۱۳۹۱: ۲۷)

۲-۱-۳- باور و رفتار

رفتار هر فرد در جهت کسب هدفی است که بر اساس باور او، صواب یا ناصواب برای او کاملاً سودآور خواهد بود. (رضائیان، ۱۳۷۹: ۹) این عبارت به وضوح نشان می دهد که مبنا و پایه رفتارهای هر فرد، بر اساس باورهای او شکل می گیرد.

ادگار شاین، الگویی سه سطحی در تحلیل فرهنگ ارائه کرده که در سطح اول، نموده ها و آثار، در سطح دوم، ارزشها و هنجارهای رفتاری و در سطح سوم، پیش فرضها و باورها قرار دارند. (شاین، ۱۹۸۵: ۱۴) به طور مشخص بر اساس این الگو، باورها، زیرساختهای هنجارها هستند و خود را در سطح قابل رؤیت یعنی سطح نموده ها و آثار نشان می دهند.



تصویر ۱- الگوی سه سطحی تحلیل فرهنگ سازمانی شاین

۴-۱-۲- باورها و تحول در حکمرانی

مقصود از تحول در حکمرانی، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی در همه‌ی بخشها و ابعاد حکمرانی است که به طور خلاصه، اصول و خطوط اساسی انقلاب را حفظ و تقویت نماید و در شیوه‌ها، روشها و کارکردها نوآوری

کند. (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۲/۲۱). به عبارتی تحول در حکمرانی بر مبنای دو باور مکمل شکل خواهد گرفت: ۱- باور به حفظ و تقویت اصول اساسی انقلاب و ۲- باور به امکان نوآوری در شیوه‌ها، روشها و کارکردها. این دو باور در واقع اصول اساسی نظریه نظام انقلابی (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) است.

۴-۱-۲- چرا باورها در رفتار حکمرانی مهم است؟

در ادبیات حکمرانی خصوصا هر چه بیشتر از حکمرانی سلسله مراتبی به سمت حکمرانی شبکه ای حرکت می کنیم، شیوه های تعامل و تصمیم گیری تفاتهای معناداری را تجربه می کند. شاید تأثیر بر این شیوه های تعامل و تصمیم گیری به عنوان جوهره حکمرانی (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۱۱۴)، نیازمند تأثیر بر پیش فرض های تعاملی و رفتاری حکمرانان باشد. پیش فرض هایی که در این مقاله از آن، به «باور»ها تعبیر می نمایم.

۴-۲- مبارزه و ابعاد آن

مفهوم حکمرانی، بر معنای مبارزه است؛ مبارزه برای تحقق اهداف و آرمانهای نظام حکمرانی مدنظر که در اینجا جبهه حق و تقویت سایر مناسبات آن است و در ادامه توضیح داده خواهد شد. با توجه به اهمیت محوری مفهوم مبارزه و لزوم تمرکز بر آن، واکاوی معنایی آن، ضروری است.

۴-۲-۱- معنای مبارزه

مبارزه و نبرد در فرهنگ لغت فارسی- عربی در مقابل واژه جهاد آمده است (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۹۸) جهاد [به فتح] به معنای مشقت و به قولی مبالغه و جهد [به ضم] به معنای طاقت است. (روحی و فیاض بخش،

علامه طباطبایی هم در ذیل آیه «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت/۶)، مجاهده و جهاد را مبالغه در جهد (به معنای به کار بستن طاقت و قدرت) تعبیر کرده است. بر این اساس، مجاهده و جهاد یعنی به کار بستن نهایت درجه قدرت و طاقت و استفاده از همه ظرفیتها در راه خدا. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵۲)

۲-۲-۲- جوهره اصلی و عوامل حیاتی تفکر جهادی

برای شناخت تفکر جهادی و تشخیص تفاوت‌های مبنایی آن با سایر پدیده‌های مشابه، در پژوهشی به بررسی جوهره آن پرداخته است. در این پژوهش، علاوه بر ایمان به غیب و ماهیت مبتنی بر مبارزه، به دو رکن اساسی در تبیین هر نوع وابسته به جهادی اشاره کرده است: جهد و تلاش حداکثری و نیز مقابل دشمن بودن.

جدول ۱- جوهره اصلی مدیریت جهادی

ابعاد	مضمون	مستند اصلی
وجه تمایز	ایمان به غیب	آن چیزی که شما [سپاه] را از یک ارتش مجهز مدرن مجرب از همه جهت کامل، لیکن بی ایمان ممتاز می‌کند، ایمان و تعبد است؛ یعنی اعتقاد به غیب و تأثیر فعل و انفعالات غیبی... (دیدار جو فرماندهان سپاه، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹)
ماهیت	مبتنی بر مبارزه	جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست. جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. (بازدید از پژوهشکده‌ی رویان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵)

<p>جهاد متقوم بر این دو رکن است: یکی این که در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر این که در مقابل دشمن باشد. (آغاز درس خارج فقه، ۲۰/۰۶/۱۳۷۳)</p>	<p>۱. جهد و تلاش حداکثری ۲. مقابل دشمن بودن</p>	<p>ارکان</p>
---	---	--------------

برای مطالعه بیشتر ر.ک. به (لطیفی و سعدآبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۲)

۳- روش پژوهش

این مقاله با بهره گیری از چارچوب روش تحلیل مضمون به سرانجام رسیده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که داده‌های متنی پراکنده و متنوع را تحلیل و داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. این روش، یک ابزار تحقیقاتی منعطف مفید است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل می‌تواند از آن استفاده کرد. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۴)

در این مقاله، پس از بررسی اولیه بیانات دهه اخیر معظم له، با استفاده از روش تحلیل مضمون، به استخراج مضامین و نیز چارچوبی برای تحلیل و تبیین مضامین مربوط به آثار باورهای جهادی در تحول رفتار حکمرانی پرداخته شده است.

۴- تحلیل مضامین و یافته‌های پژوهش

پس از بررسی سخنرانی‌ها، به ثبت عبارات مربوط به موضوع پژوهش پرداخته شد و با پالایش آنها، عبارات منتخب در جدول زیر ارائه گردید.

در این پژوهش، ۵ مضمون فراگیر (جدول ۱) در چارچوب نظریه نظام انقلابی و تفکر جهادی استخراج شد که عبارتند از: زمینه حکمرانی، فلسفه حکمرانی، منطق حاکم بر رفتار حکمرانی، جهت‌گیری رفتار حکمرانی و باورهای جهادی. در ادامه، به تبیین و تفسیر مختصر هر یک از این مضامین فراگیر و مضامین تشکیل دهنده آن پرداخته می‌شود.

جدول ۲- جدول مضامین

مستند - عبارت منتخب	تاریخ بیانات	مضمون پایه	مضمون فراگیر
دشمنان ما نمیخواهند این را اعتراف بکنند که ملت ایران در راه پیشرفت خود، خردمندانه عمل کرد، اما واقعیت قضیه این است که اگر خردمندانه نبود، نمیشد، نمی ماند، پیش نمیرفت، به نتیجه نمیرسید؛ [پس] خردمندانه بود.	۱۳۹۳/۰۳/۰۴	عقلانیت مبنای مبارزه	منطق حاکم بر حکمرانی
من میخواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار میشود؛ خیال میکند چیزهایی عدالت است، در حالیکه نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.	۱۳۸۴/۰۶/۰۸	درهم تنیدگی مفاهیم عدالت، عقلانیت و معنویت	منطق حاکم بر حکمرانی

<p>فلسفه حکمرانی</p>	<p>فهم جبهه حق و جبهه باطل و جریان نظام استکبار در عالم و نقش ما</p>	<p>۱۳۹۷/۰۶/۱۵</p>	<p>جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گزند، یک عده هم زیر بار این سلطه میروند، سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت میکنیم؛ در این چهل سال این جوری پیش رفته‌ایم، این جوری حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع و احوال حواسمان جمع باشد، دقتمان زیاد باشد، جوانب گوناگون قضیه را دائماً رصد کنیم و بسنجیم و ببینیم.</p>
<p>فلسفه حکمرانی</p>	<p>توصیف جبهه حق و باطل و سرنوشت آن</p>	<p>۱۳۹۸/۰۱/۱۴</p>	<p>در این مصاف حق و باطل، مصاف توحید و طاغوت - که ناگزیر چنین مصافی وجود دارد- آن که خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبهه‌ی حق است... [اما] من و شما میتوانیم این نتیجه را عوض نکنیم؛ چه جوری؟ کوتاهی نکنیم، همراهی نکنیم، در حرکتی که انجام میدهیم صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل الله نکنیم.</p>
<p>فلسفه حکمرانی</p>	<p>نسبت حق و باطل</p>	<p>۱۳۹۷/۱۰/۱۹</p>	<p>مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی تقابل دو حرکت است؛ تقابل حق و باطل است: جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يُبْدِيهِ الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُ؛ حق وقتی که آمد، باطل به طور طبیعی، به خود می‌لرزد.</p>

<p>فلسفه حکمرانی</p>	<p>مبارزه دائمی جبهه حق با باطل</p>	<p>۱۳۹۳/۰۳/۰۴</p>	<p>مبارزه و جهاد به یک معنا تمام نشدنی است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا میکند.</p>
<p>شاخص اثربخشی حکمرانی مجاهدانه</p>	<p>لیغیظ بهم الکفار</p>	<p>۱۳۹۶/۰۶/۰۶</p>	<p>اگر ما دیدیم رفتار ما جوری است که دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان حاکمیت قرآن نسبت به ما خشمگین نیستند و از وجود ما ناراحت نیستند، باید در مفید بودن خودمان شک کنیم. اگر امیرالمؤمنین است و آن قاطعیت و آن حرکت و مانند اینها، باید [هم] کسانی مثل معاویه یا عمرو عاص یا دیگران از او خشمگین باشند؛ شما هم همین راه را دارید حرکت میکنید؛ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ.</p>
<p>شاخص اثربخشی حکمرانی مجاهدانه</p>	<p>لیغیظ بهم الکفار</p>	<p>۱۳۹۸/۱۰/۱۸</p>	<p>دشمنی این جبهه‌ی دشمنی، یک دشمنی ذاتی و همیشگی است و هر وقت بتوانند ضربه بزنند میزنند. اینکه بعضی فکر کنند که شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی بشود - میگویند بعضی‌ها و در روزنامه‌ها مینویسند- درست نقطه‌ی مقابل فرمایش پروردگار عالم است: وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ رشد عناصر مؤمن، این نهالهای برومند، این جوانهای مؤمن،</p>

			اصلاً برای این است که «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»، تا دشمن عصبانی بشود.
جهت گیری رفتار حکمرانی	کار عادی کار جهادی	۱۳۹۲/۰۶/۰۶	وقتی با یک مسأله روبرو می شویم، در چارچوب قانون و هنجارهای موجود، دو نوع کار قابل انجام است. یک نوع، کار مرسوم اداری و یک نوع هم کار جهادی.
باورهای جهادی	ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می توانیم	۱۳۹۷/۱۱/۲۲	مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.
باورهای جهادی	باور با مبارزه و حرکت برای آن	۱۳۹۷/۰۶/۱۵	اگر دشمن کافر با شما مواجه بشود، حتماً مجبور به عقب‌نشینی است؛ البته وقتی شما می‌جنگید، وقتی که شما مبارزه می‌کنید؛ [اگر] بنشینید و بیکار بمانید نه؛ اما وقتی که داریم حرکت می‌کنیم، داریم کار می‌کنیم، حتماً دشمن شکست می‌خورد.
باورهای جهادی	سنت الهی امداد و نصرت	۱۳۷۵/۰۳/۲۰	خدای متعال وعده داده است که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد. برو برگرد، ندارد! اگر کسی برای خدا تلاش و حرکت کند، پیروزی نصیبش خواهد شد. نه این‌که به هر يك نفر پیروزی می‌دهند! وقتی مجموعه‌ای حرکت می‌کند، البته، شهادتها هست، سختیها هست، رنجها هست؛ اما پیروزی هم هست: «ولينصرنَّ الله

			<p>من ینصره» (حج/۴۰) نمی‌فرماید که نصرت می‌دهیم؛ خون هم از دماغ کسی نمی‌آید. نه! «فیقتلون و یقتلون» (توبه/۱۱۱)؛ می‌کشند و کشته می‌شوند؛ اما پیروزی به دست می‌آورند. این، سنّت الهی است.</p>
<p>باورهای جهادی</p>	<p>سنت الهی در نصرت جبهه حق</p>	<p>۱۳۹۸/۰۳/۱۴</p>	<p>خداوند متعال در آیات مکرّر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند.</p>
<p>باورهای جهادی</p>	<p>صدق در جهاد</p>	<p>۱۳۹۳/۰۳/۰۴</p>	<p>حرکت ملت ایران، حرکت صمیمی و صادقانه بود؛ فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُ وَنَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ؛ (۸) این را امیرالمؤمنین فرمود. صدق ملت ایران در میدانهای مختلف نشان داده شد. از حرکت ملت ایران، آنچه قابل تعمیم است این است: صدق، حرکت، مبارزه.</p>
<p>باورهای جهادی</p>	<p>نصرت الهی</p>	<p>۱۳۹۹/۱۱/۲۹</p>	<p>هرگاه این مجاهدت باشد، هدایت الهی هم هست؛ یعنی وقتی این مجاهدت شد، این از خودگذشتگی به وجود آمد، خدای متعال وانمیگذارد؛ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ وقتی مجاهدت بندگانش ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آنها خواهد داد</p>

<p>باورهای جهادی</p>	<p>استقامت در جهاد</p>	<p>۱۳۹۹/۱۱/۲۹</p>	<p>علاوه‌ی بر هدایت الهی، موفقیّت و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (۹). «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال که مفسرین میگویند کنایه از حلّ همه‌ی مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید - استقامت یعنی منحرف نشدن - درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعفها برطرف خواهد شد.</p>
<p>باورهای جهادی</p>	<p>توسل و دعا در جهاد</p>	<p>۱۳۸۴/۰۷/۲۹</p>	<p>دعا، دمیدن روح امید در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را میدهد... در روایت از «دعا» به سلاح تعبیر شده است؛ «الا ادلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم»؛ اسلحه‌یی را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «تدعون ربکم باللیل و النهار فانّ سلاح المؤمن الدعاء». در مواجهه‌ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح بژنده‌یی در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام میداد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف میکرد، امکانات لازم را به آنها میداد، توصیه‌های لازم را به آنها میکرد، اشراف فرماندهی</p>

			<p>خودش را اعمال میکرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو میزد، دست به دعا بلند میکرد، تضرع میکرد، با خدای متعال حرف میزد و از او میخواست.</p>
--	--	--	--

۱-۴- فلسفه حکمرانی

اگر سطح بحث را حکمرانی جهانی و بین المللی در نظر بگیریم^۱، آیا فلسفه حکمرانی بر اساس تعالیم اسلام و امام، با فلسفه عمومی حکمرانی مطرح در دنیا، تفاوتی دارد یا خیر؟ به نظر می رسد که این تفاوت به طور جدی وجود دارد ولی فهم این تفاوت، در گام اول به پذیرش وجود جبهه حق و جبهه باطل وابسته است به این معنا که مبارزه و درگیری بین این دو جبهه وجود دارد و تمام نشدنی است. پذیرش این واقعیت، مقدمه برداشتن گام بعدی یعنی ضرورت تعیین مناسبات بین جبهه حق و جبهه باطل است.

۱-۱-۴- پذیرش وجود جبهه حق و جبهه باطل

در آیات و روایات متعدد، بر وجود جبهه حق و باطل و درگیری بین این دو جبهه تأکید گردیده است و آیات مربوط به نصرت الهی، اولیاء الله، اولیاء طاغوت، جندالله، اولی الامر و ائمه کفر نیز اشاراتی به همین درگیری های گریزناپذیر دارد. نبی مکرم اسلام ۹ می فرمایند: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَ الشَّيْطَانُ وَ الْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ وَ الْهُدَى وَ الضَّلَالَةُ وَ الرُّشْدُ وَ الْعَيْ وَ الْعَاجِلَةُ وَ الْأَجَلَةُ وَ الْعَاقِبَةُ وَ الْحَسَنَاتُ وَ السَّيِّئَاتُ فَمَا كَانُمْ حَسَنَاتٍ فَلِلَّهِ وَ مَا كَانْ مِنْ سَيِّئَاتٍ فَلِلشَّيْطَانِ لَعَنَهُ اللَّهُ؛** ای مردم! جز این نیست که خداست و شیطان، حق است و باطل، هدایت است و ضلالت، رشد است و گمراهی، دنیاست و آخرت، خوبی هاست و بدی ها. هر چه خوبی است از آن خداست و هر چه بدی است از آن شیطان ملعون است. (کلینی، ج ۲: ۱۶) امام

^۱ سایر سطوح حکمرانی اعم از ملی و محلی، می تواند متأثر این سطح باشد.

خمینی هم معتقد بود که این جنگ حق و باطل، تمام شدنی نیست و از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۸۴)

۲-۱-۴- تعیین مناسبات جبهه حق و جبهه باطل

امام صادق ۷ در روایتی می فرماید: *إِنَّ لِلْحَقِّ دَوْلَةً وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةً وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي دَوْلَةِ صَاحِبِهِ دَلِيلٌ*؛ براستی که حق را دولتی است و باطل را دولتی، و هر يك از این دو، در دولت دیگری دلیل است. (کلینی، ج ۲: ۴۴۷) به همین دلیل ضرورت دارد علاوه بر تقویت مناسبات جبهه حق^۱ (انفال/۶۰)، به تضعیف مناسبات جبهه باطل در حوزه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اقدام شود. اقل تضعیف مناسبات جبهه باطل، این است که اجازه تسلط کفار بر مومنین ایجاد نشود^۲ (نساء/۱۴۱) و از کفار تبعیت هم نگردد^۳. (فرقان/۵۲)

۳-۱-۴- مولفه مهم در فهم، تغییر و تنظیم محاسبات و مناسبات

پذیرش وجود جبهه حق و باطل، یعنی پذیرش مفهوم درگیری یا همان مبارزه. مبارزه هم جایی معنا دارد که دشمن وجود دارد. مهمترین مولفه در فهم، تغییر و تنظیم محاسبات و مناسبات حکمرانی، فهم وجود دشمن در صحنه است. بدیهی است که در این حالت، هر عمل ما، کمک به تقویت یا تضعیف یکی از جبهه هاست. ممکن است افرادی این صحنه درگیری را انکار کنند یا آن را ضعیف‌انگاری نمایند، اما این انگاره، خدشه ای به اصل واقعیت وارد نمی کند چرا که می فرمایند *مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ* (نهج البلاغه، خطبه ۶۲). در واقع «آدمی که نمی بیند، نمی تواند درست محاسبه کند و ارزیابی کند؛ و همین عدم توانایی محاسبه‌ی او موجب می شود که شکست بخورد. چون درست نمی تواند محاسبه کند، چون صحنه را درست نمی شناسد، شکست هم می خورد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۸/۱۱) آیات قرآنی هم مؤید وجود دشمن در این کارزار و درگیری جبهه حق و باطل می باشد: *وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا*

^۱ وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ (انفال/۶۰)

^۲ وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/۱۴۱)

^۳ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان/۵۲)

شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ
(انعام/۱۱۴)

۴-۱-۴- آیا ما باید با دنیا جنگ داشته باشیم؟!

واقعیت این است که «جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی سخت و یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه‌ی سیاسی، بلکه در زمینه‌ی فرهنگی، در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی اجتماعی، در این زمینه‌ی امنیتی» اما کسانی هستند که اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟ در این خصوص چند نکته قابل توجه است:

۱- برخی تصور می‌کنند که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛ لذا می‌گویند چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمانها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که در حکومت دین و جامعه‌ی دینی خلاصه می‌شود - دشمن تراش و جنگ راه‌بینداز است.

۲- این، همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده و چیز جدیدی نیست؛ هر جایی که نغمه‌ی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ البته این برای امروز نیست؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ... أَبْعَاضُ جِبْهَةِ بَاطِلٍ بَايَكِدِيْغَرِ هَمَكَارِي مِي كِنَنْد، یعنی هم همکاری می‌کنند و هم طرف‌دار پیدا می‌کنند؛ کسانی حرف‌های اینها را گوش می‌کنند و دنبال اینها حرکت می‌کنند.

۳- ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۷) ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد، دشمنی به وجود می‌آورد، دعوا راه می‌اندازد؛ این هست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

۴-۲- منطق حاکم بر باورهای جهادی

قبل از بحث بیشتر درباره باورهای جهادی، لازم است درباره منطق حاکم بر آن صحبت کرد. منطقی عقلانی که در طول سالهای متمادی، گفتمان حق طلبانه، عدالت خواهانه و آزادی خواهانه را در بین مردم

به وجود آورده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و انقلاب عظیم اسلامی مردم ایران را به پیروزی برساند.^۱

به هر حال، باورهای جهادی هرچه باشد، بر مبنای این سه پایه استوار است که در اینجا به صورت بسیار اجمالی به آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۴- عدالت

اقامه عدالت، فلسفه مبارزه انبیاء است و درگیری جبهه حق و باطل هم بر همین مبناست، چنانکه در قرآن به آن اشاره شده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵) اما عدالت با دو مفهوم دیگر یعنی عقلانیت و معنویت به شدت در هم تنیده است. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالت، نخواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۲-۲-۴- عقلانیت

اگر عقلانیت در مبارزه برای تحقق عدالت به کار گرفته نشود، انسان دچار گمراهی خواهد شد؛ چرا که در تشخیص مصادیق عدالت به اشتباه می‌افتد و عدالت و ضد عدالت را به جای هم، شناسایی می‌کند. البته عقلانیت و به کارگیری خرد با محافظه‌کاری متفاوت است به این معنی که محافظه‌کار، طرف‌دار وضعیت موجود است، از هر تحولی بیمناک است، هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد. اما جنس عقلانیت متفاوت است و محاسبه‌های عقلانی گاهی، منشأ تحولات عظیمی می‌شود. (همان)

اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. البته عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی

^۱ ر.ک. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. (همان)

۳-۲-۴- معنویت

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم- یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد- این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. (همان)

۳-۴- شاخص اثربخشی حکمرانی مجاهدانه

شاخص‌های مختلفی برای بررسی اثربخشی یک تفکر و حرکت جهادی قابل طرح است ولی یک ابرشاخص کلان که می‌تواند به صورت متمایز و نتیجه‌گرا، به بررسی اثربخشی آن بپردازد، در آیه ۲۹ سوره مبارکه محمد ذکر شده است. شاخص «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»^۱ یک شاخص قابل محاسبه و در عین حال، جهت‌ساز برای سایر شاخص‌های ارزیابی می‌باشد.

۴-۴- جهت‌گیری‌ها: دوگانه رفتار عادی - رفتار جهادی در تعامل با مسایل حکمرانی

وقتی با یک مسأله روبرو می‌شویم، در چارچوب قانون و هنجارهای موجود، دو نوع کار قابل انجام است. یک نوع، کار مرسوم اداری و یک نوع هم کار جهادی؛ اما آیا کار جهادی در همه زمانها ضرورت دارد؟ همانطور که در بخش سوم مورد اشاره قرار گرفت، یکی از ارکان اساسی تعیین‌کننده برای تمایز عینی یک تفکر و رفتار جهادی، بررسی وجود دشمن است. در واقع اگر دشمنی وجود دارد، کار جهادی لازم و واجب است.

^۱ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (محمد/۲۹)

۱-۴-۴-اگر با دشمن روبرو نباشیم

در این حالت، کار عادی پاسخگوی نیاز ما خواهد بود و قاعده «سعی» جواب خواهد داد؛ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم/۳۹). در این حالت شامل امداد عام خدا هم خواهد شد: كَلَّا نُمَدُّ هُوَلاءِ وَ هُوَلاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ (أسراء/۲۰) به عنوان مثال عمارت مسجدالحرام به عنوان یک کار قابل تقدیر، توسط مومنان انجام می شود و مورد توجه قرآن نیز قرار گرفته است. اِنَّمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه/۱۸)

۲-۴-۴-اگر با دشمن روبرو باشیم

اما تصور اینکه با دشمن روبرو باشیم، برای جامعه مومنان، قاعده‌ای حقیقی تر است، چرا که تلاش های مومنانه معمولا با موانعی روبروست که ایادی جنی و انسی شیطان آن را ایجاد یا تقویت کرده است و البته این بخشی از سنت الهی است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورا» (انعام/۱۱۲). در قرآن، در ادامه آیات سوره توبه، به بررسی همین مسأله پرداخته و کارهای خوب عادی حتی در سطح سقایة الحاج و عمارة مسجدالحرام را هم همسطح و قابل مقایسه با مجاهد فی سبیل الله نمی داند: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه/۱۹)

به هر حال، در این موقعیت که وظیفه، بروز یک رفتار جهادی است، ممکن است دو نوع مواجهه، بروز یابد: رفتار عادی که منجر به اقدامات عادی و معمولی می شود. و رفتار جهادی که منجر به اقدامات جهادی خواهد شد. هر یک از دو نوع رفتار، در موقعیتی که رفتار جهادی لازم بوده است، مراتب و عواقبی دارد.

▪ شکل گیری رفتار جهادی

حکمرانی برای عرصه های پیچیده و ذوابعاد مطرح است. داشتن نگاه جامع، فهم عمیق از مسایل، شناخت پیچیدگی های مختلف برای رفع موانع و مقابله با نقشه های دشمن، اقتضائاتی را برای فعالان و متولیان حوزه های مختلف حکمرانی ایجاد می کند که به سادگی و در همه افراد مهیا نیست. اخذ تدابیر و شناخت و انتخاب راه های درست و به موقع توسط بازیگران عرصه حکمرانی، حتی اگر از نفسانیات عبور کنند، باز هم به سادگی نیست إلا ما رحم ربی. اگر مبارزه در راه خدا، به همان معنای جد و جهد در مقابل

دشمن و موانع شکل بگیرد؛ یعنی وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِيْنَا مُحَقِّقِينَ، خدا حتماً و قطعاً راههای خودش را از باب لَتَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت/ ۶۹)، نشان میدهد؛ راههایی که اطمینان بخش است. البته به شروطی که در بخش بعد تحت عنوان باورهای جهادی به آن اشاره می شود.

نمونه اعلاى این معادله، در داستان موسی و عبور قوم بنی اسرائیل از رود نیل قابل تعقیب است. هنگامی که قوم موسی همراه او برای خروج از زیر سلطه فرعون حرکت کردند، به رود نیل رسیدند. قوم موسی متعجب از مسیری که ظاهراً مسدود است و امکان عبور ندارد، گفتند: انا لمدركون (شعراء/ ۶۱)؛ سپاهیان فرعون به ما دارند می رسند! اما موسی که به امداد الهی، ایمان واقعی دارد می فرماید: إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين (شعراء/ ۶۲) و البته چه خوب هدایتی هم می شوند: وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (بقره/ ۵۰)

▪ امتناع از اقدام جهادی

ممکن است در موقعیتی که همه نشانه ها برای ضرورت مجاهدت وجود دارد، کسی (که توانایی بر اقدام دارد) اقدامی نکند یا حتی در چارچوب رفتار عادی اقدام کند، عواقبی شامل حالش خواهد شد:

۱- همانطور که قبلاً اشاره شد، مَنْ نَامَ لَمْ يُنْمَ عَنْهُ (نهج البلاغه، خطبه ۶۲) یعنی اگر ما دشمن را نادیده بگیریم، او ما را نادیده نخواهد گرفت و توانش را برای ضربه زدن به جبهه مقابل به کار خواهد گرفت.

۲- در این حالت جزو متخلفین از جهاد محسوب می شود. امیرالمومنین علیه السلام درباره متخلفین از جهاد می فرماید: «فمن تركه رغبة عنه، البسه الله ثوب الذل و شمله البلاء و ديت بالصغار و القماءة و ضرب على قلبه بالأسهَاب و أدیل الحق منه بتضييع الجهاد و سيم الخسف و منع النصف؛ کسی که از روی اعراض جهاد را ترک کند، خداوند لباس ذلت بر او بپوشاند و بلا و مصیبت او را فراگیرد و با حقارت و پستی در ذلت غوطه ور شود و دلش مشوش گردد و هدیانش را سر دهد (دلش را در پرده قرار دهد) و به کیفر آنکه از جهاد تن زده است، از حق دور افتد و کارش به مذلت کشد و از عدالت بی بهره ماند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

سرنوشت قوم حضرت موسی علیه السلام هم بعد از سرپیچی از فرمان جهاد او، قابل تأمل است؛ آنها حدود ۴۰ سال سرگردان و در گمراهی بودند: فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (مائده/۲۶)

۳- اندازهای شدیدالحن الهی نیز برای غائبان جهاد، قابل توجه است: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه/۲۴)

۵-۴- باورهای جهادی و رفتار حکمرانی

باورها، زیربنای فرهنگی هستند که در قلب حکمرانی نهفته است؛ فرهنگی که قواعد و ارزشهای یک جمع را در مورد چيستی روش صحیح و راه غلط اعمال قدرت و حکومت کردن، روشن می کند... فرهنگ مشترکی که مردم را قادر می سازد تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، رفتاری پذیرفته شده داشته و کارها را با هم در جهت اهداف مشترک انجام دهند.

حتی برخی حکمرانی را باورهای فرهنگی اجتماعی به توسعه پایدار دانسته اند که می تواند منجر به فرصتهای برابر و کاهش بی عدالتی شود. (وحدانی نیا و وثوق مقدم، ۱۳۹۷: ص ۶۳۱)

اما این باورها در منطق جبهه حق و تفکر جهادی چيست؟^۱

۱-۵-۴- باورهای جهادی موثر

▪ باور به چارچوب مبارزه

باور به اینکه جبهه حق و جبهه باطل وجود دارد، یعنی دشمن وجود دارد و برای مقابله با دشمن با جهاد و کار جهادی انجام داد. و طبق مطالب پیش گفته، حرکت و مجاهدت در این مسیر، منجر به هدایت و نشان دادن مسیره های درست می شود و البته طبق همان معیارها، سرپیچی از جهاد، عقوبت دارد و باعث سرگشتگی و سرگردانی و تیه می شود.

▪ امداد و نصرت الهی

^۱ احصای این باورها در این بخش به معنای عدم توجه یا لزوما کاهش ضریب سایر باورها نیست.

خدای متعال وعده داده است که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد. برو برگرد ندارد! اگر کسی برای خدا تلاش و حرکت کند، پیروزی نصیبش خواهد شد. نه این که به هر یک نفر پیروزی می‌دهند! وقتی مجموعه‌ای حرکت می‌کند، البته، شهادتها هست، سختیها هست، رنجها هست؛ اما پیروزی هم هست: «ولینصرنَّ الله من ينصره» (حج/۴۰) نمی‌فرماید که نصرت می‌دهیم؛ خون هم از دماغ کسی نمی‌آید. نه! «فیقتلون و یقتلون» (توبه/۱۱۱)؛ می‌کشند و کشته می‌شوند؛ اما پیروزی به دست می‌آورند. این، سنّت الهی است. (دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۲۰/۳/۱۳۷۵) اما این را هم بدانیم که خدا نصرتش را به آدم‌های تنبل و بی‌مجاهدت نمی‌دهد. خدا از انسان‌های بی‌کاره و تنبل و بی‌خیال و لاابالی حمایت نمی‌کند؛ ولو مؤمن باشند. (دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان، ۱۲/۰۲/۱۳۸۴)

۲-۵-۴- عناصر اساسی باورهای جهادی

باورهای جهادی وقتی عمل می‌کنند و موثر واقع می‌شوند که این چهار عنصر را در درون خود داشته باشند: اعتقاد به اصل ما می‌توانیم، صدق در جهاد، استقامت و پایداری، اضطراب و توسل.

▪ اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»

مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید. (بیانیه گام دوم، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷). بدیهی است که تقویت روحیه خود باوری و «ما می‌توانیم» را از ضروریات هر حرکت جهادی هست. ولی در سالهای متمادی تلاش شد تا به ایرانی تلقین شود که «نمی‌تواند». بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، این روحیه را در فرهنگ و ادبیات سیاسی و انقلابی کشور وارد کرد و نتیجه آن اکنون، بصورت بروز توانایی‌های مردم در عرصه‌های گوناگون، قابل مشاهده است.

▪ صدق در جهاد

در آیات و روایات مختلفی بر نقش صدق در تحقق وعده‌های الهی برای جامعه تأکید شده است. مثلاً در ماجرای بیعت رضوان، وقتی مومنین با پیامبر بیعت می‌کنند و قول می‌دهند که در هر شرایطی همراه پیامبر باشند و در رکابش بجنگند (در حالیکه ابزار و تجهیزات جنگی لازم را به همراه نداشتند)، خدا به صدقشان می‌نگرد و پس از انزال سکینه و آرامش برقلوب آنان، فتوحات و غنائم بسیاری را نصیب آنها می‌

گرداند. «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (فتح/ ۱۸-۲۱) و یا در روایتی دیگر، حضرت امیرالمومنین علت پیروزی را در **صدق** تعبیر می نماید: **فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُ وَنَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ** (نهج البلاغه، خطبه ۵۶) در واقع فرمول «صدق، حرکت و مبارزه» (آقا، ۱۳۹۳/۰۳/۰۴) یک چارچوب زیربنایی برای موفقیت در این مسیر است.

▪ **استقامت و پایداری**

استقامت به معنی پایداری است و ماهیت آن، حرکت به سمت هدف است. بدیهی است که استقامت با صبر فرق دارد؛ چرا که صبر نوعی خودداری است و همراه با آن، نوعی توقف و سکون وجود دارد. (تهرانی، ۱۳۸۵) حکمرانی بر اساس باورهای جهادی، یعنی مواجهه با مانعهای بسیار و دشمنی های فراوان. از ضرورتهای روشن کسب نتیجه در این مسیر، استقامت و پایداری است و از آفات آن، نیمه کاره رها کردن کارها. در همین راستا، این فرمایش حضرت علی علیه السلام، مورد توجه جدی قرار می گیرد: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ الْيُهَايَةَ الْيُهَايَةَ، وَ الْاسْتِقَامَةَ الْاسْتِقَامَةَ، ثُمَّ الصَّبْرَ الصَّبْرَ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) یعنی کار کنید و کارها را به نهایت برسانید و در این مسیر صبر داشته باشید!

خدا هم به این افراد دارای استقامت، وعده مطمئنی داده و فرموده است: **وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا** (جن/ ۱۶) مقام معظم رهبری هم در تعبیری این مقام استقامت را در مسیر حرکت به خوبی تعبیر می نمایند: آن وقتی که می توانید مبارزه کنید، وقتی دیدید که دارید شکست می خورید، باز هم مبارزه کنید تا برسید به آن لحظه ای که دیگر یقین می کنید که هان! حتماً شکست خواهید خورد، باز هم مبارزه کنید. وقتی در آن لحظه ای که یقین دارید حتماً شکست می خورید باز به تلاش و کوشش و مبارزه خود ادامه دهید. آن وقت پیروزی و فتح نصیب تان خواهد شد. آیه قرآن تقریباً نظیر همین مطلب را می گوید یا تحقیقاً. می فرماید که **حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ** (یوسف/ ۱۱۰)

▪ **اضطرار و توسل**

بر اساس قاعده فاعلیت در عالم، هر موجودی فاعلیتی دارد که قدرت تصرف در موجودات تحت تصرف خود را دارد. و البته هر موجودی فاعل بالاتری هم دارد که قدرت تصرف در او را دارد. بر این اساس، بعد

از به کارگیری همه ظرفیتها برای مجاهده در راه حق توسط مجاهد، بن بست‌ها و نیز راه‌های ناشناخته‌ای وجود دارد که عبور از آنها نیاز به ظرفیت بیشتری دارد؛ این ظرفیت با توسل، توسط فاعل بالاتر قابل افزایش است و البته شدت این افزایش ظرفیت، به شدت اضطراب متوسل ربط مستقیم دارد. فرماندهان جوان جنگ مانند شهید حسن باقری، شهید زین الدین، شهید خرازی و ... نمونه‌هایی از ظرفیت‌های افزایش یافته هستند که در سنین جوانی، بدون داشتن سابقه قابل توجه، توان ساخت تشکیلات و اداره لشکرهای بعضا ده هزار نفری را داشته‌اند. شهید زین الدین در حین عملیات عملیات والفجر ۳، فرماندهانش را فرا می‌خواند و می‌گوید: «کار سخت شده است ... اگر نماز شب تا حالا برایمان مستحب بود، از الان به بعد واجب است» [۱۱]. و این یعنی به اعتقاد این فرمانده برجسته نظامی در دوران دفاع مقدس، افزایش استقامتها، باز شدن فکرها، افزایش ظرفیت‌ها و یافتن راهکارهای جدید به راهبرد توسل و اضطراب نیاز دارد.

۵- آثار باورهای جهادی در رفتار حکمرانی

بررسی همه جانبه و کامل آثار باورها بر ابعاد مختلف حکمرانی نیاز به پژوهشی مفصل دارد ولی به طور خاص آثار باورها را می‌توان در (۱) جهت‌گیری‌های استراتژیک، (۲) ارتباطات، همکاری‌ها و رقابت‌ها و (۳)



تصویر ۲- باورهای جهادی و ابعاد خاص حکمرانی

تصمیم‌گیری‌ها و خروجی‌ها مشاهده کرد.

(۱) در ادبیات مدیریت استراتژیک، به دو نوع جهت‌گیری استراتژیک اشاره می‌شود که به طور کامل در حکمرانی، قابلیت بازتعریف و بومی‌سازی دارد. جهت‌گیری استراتژیک فعال و انفعالی که وقتی با دو عاملیت عقلانیت و تهاجمی ترکیب می‌شود، جهت‌گیری استراتژیک فعال با عقلانیت و تهاجمی زیاد و جهت‌گیری استراتژیک انفعالی با عقلانیت و تهاجمی کم مشخص می‌شود. (دیوید، ۱۳۸۵:؟؟) بدیهی است که در فضای درگیری جبهه حق و باطل جهت‌گیری استراتژیک از نوع عقلانیت و

- تهاجمی زیاد خواهد بود؛ هرچند همه واژه های جهت گیری، استراتژیک، عقلانیت و تهاجمی، در لایه حکمرانی و سطوح جهانی و ملی باید بازتعریف و متناسب سازی شود.
- (۲) مبنای رابطه ها و شکل گیری همکاری ها، رقابت سازنده و رقابت مخرب در این بر اساس تقویت مناسبات جبهه حق و تضعیف جبهه باطل تعریف می شود و در این چارچوب چینش و جایابی بازیگران عرصه حکمرانی، رفتاری متفاوت خواهد داشت.
- (۳) تصمیم گیری در نظام حکمرانی برای اقامه حق و عدل و ازاله استکبار و استثمار، با مقاومت ها، پیچیدگی ها و بحران های مختلفی روبرو خواهد بود و برای عبور از آنها باید تصمیمات سختی گرفته شود. در سطح حکمرانی جهانی، اثر یک تصمیم ممکن است استقلال یک کشور همکار یا بازیگران فعال منطقه ای را تضعیف کند یا حتی باعث سرنگونی و سقوط آن بشود و بالعکس! لذا فهم مختصات عمیق درگیری جبهه حق و باطل، برای اخذ تصمیم درست در لحظه درست، ضروری است.

جمع بندی

واقعیت حکمرانی در دنیا مسالمت آمیز نیست. بلکه در واقع یک جنگ پنهان پوشانده شده با الفاظ و اصطلاحات است که ملتها و دولتها را به آرامی و کاملاً نرم به تسخیر خود در می آورد. نمونه هایی مانند حکمرانی خوب، نشانه ای از این منطق استثماراری بانک جهانی برای تغییر در حکمرانی کشورهای ضعیف است.

در این میان فهم منطق جنگ حق و باطل در عالم و تلاش برای تشکیل این جبهه یک ضرورت اساسی برای بازسازی ادبیات بومی حکمرانی و توسعه آن حکمرانی های همسو می باشد. باورهای رایج یک عامل پیش برنده اساسی یا مانع گسترده در برابر حکمرانی های معارض با جریان موجود، تلقی می شوند. در حکمرانی جبهه حق، باور به مبارزه و باور به امداد الهی در صورت مبارزه، قوام بخش رفتارهای حکمرانی و شکل گیری حکمرانی مجاهدانه است اما برای تحقق آن، باید اولاً مبارزه با دشمن محقق شده باشد و ثانياً، اعتقاد به «ما می توانیم»، صدق در جهاد، استقامت و پایداری، اضطرار و توسل وجود داشته باشد. هرچند درک کامل آثار باورها بر ابعاد مختلف حکمرانی نیاز به پژوهشی مفصل دارد ولی به

طور خاص آثار باورها را می‌توان در (۱) جهت‌گیری‌های استراتژیک، (۲) ارتباطات، همکاری‌ها و رقابت‌ها و (۳) تصمیم‌گیری‌ها و خروجی‌ها مشاهده کرد.

منابع

- ۱) قرآن کریم
 - ۲) نهج البلاغه
 - ۳) سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مجموعه بیانات
 - ۴) آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹) فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: نشر نی.
 - ۵) تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱) سلوک عاشورایی. تهران: موسسه فرهنگی مصابیح الهدی، چاپ چهارم.
 - ۶) تهرانی، مجتبی (۱۳۸۵) تحلیل قیام امام حسین بر اساس عنصر «استقامت و پایداری»، دهه اول محرم
- <http://www.rajanews.com/news/۱۳۲۳۵۸>
- ۷) جاسبی، عبدالله و ندا نفری (۱۳۸۸) طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸.
 - ۸) جوادی، امین (۱۳۹۶) عقیده و باور در اندیشه امامین انقلاب اسلامی. دوفصلنامه علمی تخصصی اندیشنامه ولایت، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
 - ۹) دیوید؛ فرد آر. (۱۳۸۵) مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - ۱۰) رضائیان، علی (۱۳۷۹) مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). تهران: انتشارات علم و ادب.
 - ۱۱) زین الدین، مهدی (۱۴۰۰). پا به پای زین الدین (مجموعه سخنرانی‌ها و گفتگوهای شهید زین الدین)، قم: موسسه فرهنگی و هنری حماسه هفده (در حال انتشار)

۱۲) عابدی جعفری، حسن و محمدسعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخزاده (۱۳۹۰)؛ تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۹۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۱۳) طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴) کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵) الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب اسلامیة

۱۵) لطیفی؛ مثمیم و حسن سعدآبادی (۱۳۹۳) پژوهشی پدیدارشناسانه برای فهم جوهره مدیریت جهادی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۳

۱۶) Schein, Edgar H. (۱۹۸۵). Organization Culture and Leadership. San Francisco, JosseyBoss Inc.